

چهار دیواری چقدر اختیاری است؟

دکتر مجید ابهری

عضو هیات علمی
دانشگاه
شهید بهشتی



فرهنگ فارسی سرشار از ضرب‌المثل‌ها و مثل‌های مختلفی است که برخی از آنها حاوی نکات پندآموز و عاطفی هستند.

بعضی از این عبارات گاهی به اندازه یک یا چند جلد کتاب اندیشه‌های ناب زندگی فردی و اجتماعی را روشن و پرنور می‌سازند.

به‌هرحال تراوش این عبارات جاویدان بر اساس دانش و تجربیات گرانمایی هستند که بدون عنایت به منشاء صدور آنها باید در مفاهیم واقعی و اهداف آنها عنایت کرده و هر یک را با توجه به محتوای آنها در زندگی روزمره فردی، اجتماعی، علمی و حرفه‌ای آنها را به کار گرفت.

البته تنها در جامعه ما نیست که از این‌گونه ابزارهای کلامی برای بیان واضح‌تر و روشن‌تر مقاصد نظری استفاده می‌شود، بلکه در اغلب جوامع در قالب‌ها و ابعاد مختلف برای کمک به روشن‌تر شدن مقاصد استفاده می‌شود که صدا البته غنا و سوابق ادب و فرهنگ زبان پارسی در جایگاه اول و سکوی رفیع فرهنگی قرار می‌گیرند. بیان این مقدمه به خاطر این مقصود است که ارزش و جایگاه فرهنگ فولکلوریک و مردمی روشن‌تر شود. یکی از این عبارات که همه ما گهگاهی استفاده کرده و می‌کنیم عبارت «چهار دیواری اختیاری» است.

از نگاه رفتارشناسی اجتماعی این جمله بیانگر این واقعیت است که هر کس در محدوده سکونتگاه و خانه خود همراه با اعضای خانواده‌اش امنیت کامل داشته و می‌تواند در وجه معمول و متداول و مطلوب، زندگی خود را ادامه دهد. هیچ‌کس حق ندارد مزاحم زندگی دیگران شده یا در چرخه حیات فرد و خانواده‌اش دخالت کرده و آرامش وی را خدشه‌دار کند.

بعضی‌ها که معنی، مفهوم، حدود و مرزهای آزادی را نشناخته و به آنها اشراف پیدا نکرده‌اند، از این مقوله نیز مانند بسیاری از مفاهیم سوءاستفاده کرده و از چهارچوب‌های آن عبور می‌کنند.

متأسفانه از روزگار گسترش و توسعه آپارتمان‌نشینی و سبک زندگی غربی برخی افراد با بی‌توجهی به مرزهای آزادی، حقوق دیگران را لگدمال می‌کنند.

مثلاً در زندگی آپارتمان‌نشینی در شهرهای بزرگ و کوچک گاهی مشاهده می‌کنیم که برخی افراد بدون توجه به حقوق شرعی، قانونی و اجتماعی دست به حرکاتی می‌زنند که موجب آزار روحی و روانی دیگران می‌شوند. گاهی با اشغال فضاهای مشترک ساختمان به شکل‌های مختلف و زمانی با ایجاد صداهای مزاحم یا رفتارهای خارج از چهارچوب‌های معمول و متداول باعث آزار و زحمت و حتی زجر دیگران می‌شوند و در مقابل اعتراض حاضرین بلافاصله با طرح عبارت (چهار دیواری اختیاری)؛ آنها را وادار به تسلیم و سکوت می‌کنند.

درست است که ما از آزادی به عنوان یک حق الهی و فطری برخورداریم، اما این امتیاز نباید باعث شود که دیگران را در هر اندازه‌ای (کم یا زیاد) از حقوق‌شان محروم کنیم. از آلوده‌سازی محیط زیست تا تولید اصوات گوش‌خراش و آزاردهنده و عدم رعایت قوانین و مقررات رانندگی و ده‌ها کنش فردی و اجتماعی باید از قواعد و ضوابط اخلاقی و قانونی برخوردار بوده و کمترین آزار را برای دیگران تولید کنیم. بنابراین همین حالا با اتمام مطالعه این نوشتار با خود عهد کنیم که حقوق دیگران از خواهر و برادر، فامیل و غریبه، هم‌کلاس و دوست و بزرگ و کوچک را رعایت کرده و نه ظلم کنیم، نه ظلم‌پذیر باشیم.

رعایت این اصول اخلاقی و انسانی علاوه بر جلب رضایت الهی موجب ایجاد نظم و آرامش در جامعه و بهره‌مندی بیشتر و بهتر از مواهب موجود طبیعی می‌شود.



گفت‌وگو

گزارش

دیباجه

اینفو



معنی «غیب»

غیب یعنی چه که فرق آدم مؤمن و غیرمؤمن در ایمان به غیب است؟ مقصود از ایمان به غیب چیست؟ ایمان به نهان چیست؟ نهان از چه؟ یک چیزهایی در این عالم هست که با حواس ما (حس باصره، حس سامعه، حس لامسه، حس ذائقه و حس شامه) قابل ادراکند (به‌قول بعضی ما بیش از اینها حواس داریم، ولی از همین نوع است). پشت این دیوار الان از ما مخفی است، ولی برای ما این امکان هست که با چشم خودمان آنچه را که در پشت این دیوار می‌گذرد ببینیم؛ یعنی از چشم ما نمی‌تواند پنهان باشد، چشم ما قادر است آن را ببیند، گوش ما قادر است بشنود. یا چیزهایی که ذائقه ما قادر است آنها را بچشد، لامسه ما قادر است ببوید. اینها را می‌گویند شهادت، یعنی چیزهایی که انسان با ظاهر بدنش می‌تواند آنها را درک کند. مایک ادراکات پوسته‌ای داریم که [ابزار آن] در ظاهر بدن ماتعیه شده است و در این حدود، حیوانات هم دارند؛ یعنی حواسی که ما داریم حیوانات هم دارند و احیاناً در بعضی از این حواس، از ما قوی‌تر و نیرومندتر هستند. چشم بسیاری از حیوانات از چشم انسان تیزتر است. گوش بسیاری از حیوانات و از آن جمله سگ، از گوش انسان بسیار حساس‌تر است. چیزهایی را که انسان به وسیله حواس خودش بتواند درک کند، می‌گویند جزو غیب نیست، آشکار است. حوادث را من با همین حواس خودم درک می‌کنم؛ یعنی شکلی را که فردا می‌خواهد پیدا شود فردا با چشم خودم می‌توانم ببینم، آوازی را که فردا می‌خواهد بلند شود با گوش خودم می‌توانم بشنوم، غذایی را که فردا می‌خواهد تهیه شود با ذائقه خودم می‌توانم بچشم. پس این، غیب نیست، به اصطلاح قرآن شهادت است. پس غیب چیست؟ غیب عبارت است از این که انسان اقرار و اعتراف داشته باشد که در عالم هستی حقایق و واقعیت‌هایی هست که من با پوسته بدن خودم یعنی با حواس خودم نمی‌توانم آنها را درک کنم، ولو این که اینجا حضور داشته باشند؛ چشم من، گوش من، ذائقه من، لامسه و شامه من قادر به ادراک آنها نیستند. یعنی من درباره خودم این‌طور قضاوت کنم که این حواسی که من دارم، وسایل بسیار بسیار محدودی است که برای تماس پیدا کردن من با دنیای خارج به من داده شده است. اصلاً چشم را برای چه به من داده‌اند؟ برای این که وقتی می‌خواهم با این دنیا از راه رنگ‌ها و شکل‌ها ارتباط پیدا کنم، بتوانم و راه خودم را به‌دست آورم، همین. گوش را برای چه به من داده‌اند؟ برای این که امواج دیگری است به نام اصوات که به وسیله گوش ادراک می‌شوند. لذا وقتی می‌خواهم در این دنیا کارهای زندگی‌ام را انجام دهم، باید گوش داشته باشم. همچنین سایر حواس.

برگرفته از کتاب آزادی معنوی - استاد شهید مرتضی مطهری

شکوفایی نبوغ کودک

امیرعلوی

چاردیواری

تمامی کودکان بسیار بیشتر از آنچه خودشان و شما می‌دانید، توانایی دارند. کتاب شکوفایی نبوغ کودک (Unlocking your child's genius) در مورد فشار آوردن به کودک، تشویق او به جهشی خواندن یا اجبار او به جلودر بودن از سنش نیست بلکه در مورد فرزندپروری به‌گونه‌ای است که کودک بتواند به شیوه خود، خلاقیت و نبوغ تخیلی خود را شکوفا ساخته و توسعه دهد.

کتاب شکوفایی نبوغ کودک به قلم اندرو فولر، ابتدا به شما کمک می‌کند تا فرزندتان را به‌گونه‌ای رشد دهید که تمام استعدادهای بالقوه او را کشف کرده و سپس روش‌های شکوفایی این استعدادها را در اختیارتان قرار می‌دهد. این کتاب بیش از کار، در مورد بازی، سرگرمی و اکتشاف است، البته که کار سخت، جای خود را دارد، اما وقتی بخشی از آن را به بازی تبدیل کنید، احتمال موفقیت بالا می‌رود.



درباره کتاب

سال‌های زیادی از این باور غلط که توسعه مغز در هشت سالگی متوقف می‌شود، نگذشته؛ علوم اعصاب جدید نیز نشان می‌دهد که این ایده به اندازه مسطح بودن زمین غیرقابل باور و این ایده که کودک هنگام تولد صاحب نبوغ شده و نمی‌توان کار چندانی برای افزایش آن انجام داد نیز توسط علوم امروزی رد شده است.

هر کودک می‌تواند مهارت‌ها و دانش خود را بر پایه هر ذره از نبوغ موجود در خود توسعه بخشد. اندرو فولر (Andrew Fuller) در این کتاب مهارت‌هایی را بیان کرده که والدین می‌توانند به توسعه آنها در کودکان کمک کنند و در راستای علاقه‌مندی‌ها و اشتیاق‌های

کودکان اعمال می‌شوند. کسب دانش، تمرکز، تصمیم‌گیری، تخیل، انگیزه‌بخشی، عزم راسخ، حافظه و خلاقیت، مهارت‌های پایه‌ای هستند که همه انسان‌ها برای شکوفایی نبوغ‌شان به آنها نیاز دارند. نبوغ کودک شما فقط وقتی شکوفا می‌شود که برای برنامه‌ریزی، توانگر ساختن، اکتشاف و کمک به آنها به منظور کشف جرقه‌های نبوغ‌شان وقت صرف کنید. در جهانی که از کودکان انتظار می‌رود بیشتر مطالعه و کمتر بازی کنند، لازم است به آنها کمک کنید بیشتر بازی کرده و تجزیه و تحلیل بیشتری داشته و از همه مهم‌تر، رویابافی‌های بزرگ‌تری انجام دهند.

در بخشی از کتاب شکوفایی نبوغ کودک می‌خوانیم:

دنیای انسان‌ها، احساسات و به اشتراک‌گذاری‌ها، زمینه نبوغ منشی‌های اجتماعی است. معلمان این‌گونه کودکان را به خوبی می‌شناسند. آنها عاشق مردم هستند. آنها در کلاس پیچ می‌کنند، نامه ردوبدل می‌کنند، پیامک می‌فرستند، برای رویدادها برنامه‌ریزی می‌کنند، از خودشان سلفی می‌گیرند و عاشق وسایل ارتباط جمعی هستند. در واقع معناداران اجتماعی هستند!

این کودکان آن قدر با دنیای اجتماعی‌شان وفق پیدا می‌کنند که به نظرشان حتی یک حرف ناگفته نیز نباید باقی بماند. منشی‌های اجتماعی، اغلب، تفکر در سکوت را دشوار دیده و برایشان راحت‌تر است که در مورد مسائل و ایده‌ها صحبت کنند. نکته مثبت منشی اجتماعی بودن این است که این دسته از کودکان، اغلب، به افرادی پویا و مردمی تبدیل می‌شوند که در فروش، بازاریابی، مدیریت رویدادها و ارتباطات عمومی و تجارت موفق هستند. آنها معمولاً مردمی، دوستانه و برون‌گرایان حساسی هستند.

بسیاری از آنها پر حرف هستند. از نظر آنها حتی یک حرف هم نباید ناگفته بماند. به همین دلیل شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک می‌توانند برای این دسته از کودکان بسیار جالب‌توجه باشد. آنها حتی منوی صبحانه‌شان را با دنیا به اشتراک می‌گذارند و از آنجایی که بسیار یاری‌گر هستند، به سمت برآورده کردن نیازهای انسان‌هایی جذب می‌شوند که فیس‌بوک را به محیطی خطرناک برای تطمیع دیگران تبدیل کرده‌اند. اگر دوستان‌شان در شبکه‌های اجتماعی، در حال تجربه مراحل سختی در زندگی‌شان باشند، این منشی‌های اجتماعی، اغلب، خود را در یأس آنها شریک می‌کنند.

درنگ

عبادت تمام

عبادت وقتی تمام و کامل می‌شود که به غیر خدا به کسی دیگر مشغول نباشد و در عملش شریکی برای خدای سبحان نتراشد و دلش در حال عبادت بسته و متعلق به جایی نباشد. نه به امیدی و نه ترسی، حتی نه امید به بهشتی و نه ترس از دوزخی، در این صورت عبادتش خالص و برای خداست.

ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱، ص ۴۳

